

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالضَّعْفُ وَالنَّيْلُ إِذَا سَبَى مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَأَنْقَلَبُ وَالْأَخْبَرَةُ خَيْرٌ لَكَ
مِنَ الْأُولَى وَالسُّوفُ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى
وَوَدَّعَكَ ضَالًّا فَهَدَى وَأَوْجَدَكَ ضَالًّا فَأَغْنَى فَمَا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ
وَأَمْ الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمْ الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمْ الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آنکه ایمان دارمشت خاک را
داد از طوفان بجات او فوج را
تا سزائی کرد قوم عاد را
بر خلیش نار را گلزار کرد
کرد قدم لوط را زیر و زبر
پشه کارش کفایت ساخته
ناقه را از سنگ خار بر کشید
در کف داود آهن موم کرد
شده مطیع خاتمش دیود پری
هم زیونس لقمه باجوت داد
دیگری را تاج بر سر می نهد
عالی را در می ویران کند
نیست کس را زهره چون و چرا
دیگری را بجز دزخعت مهدهد

عهد محمد خدای پاک را
آنکه در آدم دمید او روح را
آنکه فرمان کرد قهرش باد را
آنکه لطف خویش را اظهار کرد
آن خداوندی که بینگام سحر
سوی او خصمی که نرسد انداخته
آنکه اعزاز را بدیدار کشید
چون عنایت قادر قیوم کرد
با سلیمان دار ملک و سروری
از تن صابری بگردان قوت داد
آن یکی را از بر سر می کشد
اوست سلطان بهره خواهد آن کند
همت مسطغان مسلم هر و را
آن یکی را بجز و نعت مهدهد

بسم الله الرحمن الرحيم

اذ انزلنا من السماء
 ماء فاحيا به كل شئ
 الا الجبال التي هي
 صخرات صلبات
 لا تحيا ولا تموت
 ولا تنبت الا ما
 نريد ان ينبت
 ونريد ان لا ينبت
 ونريد ان يهلك
 ونريد ان لا يهلك
 ونريد ان ندمر
 ونريد ان لا ندمر
 ونريد ان نخلق
 ونريد ان لا نخلق
 ونريد ان نحيي
 ونريد ان لا نحيي

انزلنا من السماء
 ماء فاحيا به كل شئ
 الا الجبال التي هي
 صخرات صلبات
 لا تحيا ولا تموت
 ولا تنبت الا ما
 نريد ان ينبت
 ونريد ان لا ينبت
 ونريد ان يهلك
 ونريد ان لا يهلك
 ونريد ان ندمر
 ونريد ان لا ندمر
 ونريد ان نخلق
 ونريد ان لا نخلق
 ونريد ان نحيي
 ونريد ان لا نحيي

دگیری کرده دلکن از ماقه باز
 دگیری در حضرت نال جهان دهد
 دگیری خفته برهنه در تنور
 دگیری بر خاک خواری بته بخ
 کس نمی آرد نه انجام زند
 بندگان را دولت و شاهی دهد
 حل را رهسپار گوید کند
 این بچه حق دگیری کی می کند
 جسم را بر جم شیا همین می کند
 آسمان را بی ستون دارد نگاه
 قول او را کنن نه آواز نه

آن یکی بر تخت با صد عز و ناز
 آن یکی رازد و صد همیان دهد
 آن یکی پوشیده سنجاب و سمور
 آن یکی بر بستر کخواب و کخ
 طرقة العین جهان بر هم زند
 آنکه با مرغ بهوا ماهی دهد
 بی پدر فرزند پیدا کند
 مرده صد ساله را حی می کند
 صانع کند صین سلاطین می کند
 از زمین خشک رو یا ندگیاه
 هیچکس در ملک او انباز نه

پوریانگی گفت کہ صدیم بہ لہند است
از بہمت مولایم علی جنت بلہند است
افتادہ آموز الر طالب فیضی
ہرگز خورد آب زمین کہ بلہند است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بزرگترین توفیق علمی ارسال در قرن بیستم دست یافتن به ماوراء است، در اولین وهله چنین به نظر می رسد که این توفیق نوعی پیشرفت آتی است؛ در حالیکه حقیقت جز این است. دانش از بسیاری جهات اکتشاف است و دانشمندان که به ریاضیات و دستنگاههای گوناگون میپردازند، به سز زمین بیگانه و ماوراء مرزهای دانش سفر می کنند؛ در اولین وهله باید بدانیم که ریای ماورای جوار عنصر است: آتش، باد، آب، خاک.

سطح زمین از کوه های بلند و دریا های عمیق و چین زارهای روح افزا و گلای زیبا و رنگارنگ و میوه های گوارا و دلپذیر پوشیده شده است، حیوانات بسیاری مفید و یا مضر در سراسر آن پراکنده اند و به زندگی آرام و کنراخت خود ادامه میدهند در این میان تنها انسان با دست توانای خویش همه چیز را به منظور رفاه و آسایش در اختیار دارد و آنها را به دلخواه تغییر می دهد.

انسان هر اندازه در برابر واقعیات اجابت کند و سرسختی به خرج دهد و هر اندازه آنها را نادیده بگیرد یا به نفوذ خود تعریف نماید سرانجام خود را ناتوان می بیند و سر تسلیم فرود می آورد و دچار مشکل می شود و در جستجوی راه حل برای مشکلات خود می باشد.

اگر ما بخواهیم از علم علوم غریبه استفاده کنیم و مشکلات را حل کنیم و طلسم ها را باطل نماییم و یا حاجت روا شویم باید ریاضت کشید و روزه های نخس و ساعت های نخس را در نظر بگیریم و در ساعت نخس و روزه های نخس کار و خواندن آغاز کنیم، باید ساعت سعد را در نظر گرفت

« در بیان حروف تہجی »

عادلان فن عمل و کاملان علم نجوم را از دست که اول زکات حروف تہجی دهند و بعد آن ریاضت و هر عملی که خواهند خوانند، تأثیرش زورتر بطور خواهد رسید و از رجعت به حفظ خواهند ماند.

اکثر اشخاص عمل خواندن آغاز می کنند و زکات حروف تہجی نمی دهند، آخر الامر بر رجعت گرفتار شوند. [رجعت: دست از جان عزیز شدن را گویند] که در ابتدای عمل خواندن بی احتیاطی بطور می آید و به سبب آن بی احتیاطی قضیه برعکس می گردد و خواننده عمل خراب و بی بار می شود.

« اقسام تعویذات »

در فوائد و اقسام تعویذات باید دانست که تعویذ را چهار قسم است:

۱. آتشی ۲. باری ۳. آبی ۴. خالی

— تعویذ آتشی: آن است که بر کاغذ یا بر سفال آب ناریده یا نعل اسب مشکین و استخوان شانه گوسفند و غیره نوشته شود و در آتش سوزانند.

— تعویذ باری: برای غائب و گم شده در جای بلند نوشته شود، در ساعت سعادت مشتری به پوست آهو و یا کاغذ سبز یا لباس گم شده و روی برگ انجیر و در جای بلند او نزل کند.

— تعویذ آبی: در کنار آب باید نوشته شود، در ساعت زهره، باطل سحر، نوشتن دعای چهل کلید و باطل سحر شرف شمس، یا رعد را در چاه اندازد یا درون دریا.

— تعویذ خالی: برای هلاکی دشمن و جدائی در کورستان یا در کوهستان رهن گردد در ساعت رُحل.

«شرایط عده چله نشینی و ریاضت»

- ۱- پیوسته و ضووداشتن، به منظور پاکی و مهارت و پاکتسیدن از علائق دنیوی.
- ۲- توجه همیشگی به معرفت بیکران نفس و جان
- ۳- جلوگیری از کارهای پلید و افکارنا درست
- ۴- صداقت، یعنی در جستجوی حقیقت بودن و جز راستی و حقیقت چیزی نگفتن؛ و جلوگیری از حرص و طمع.
- ۵- ذکر، در لغت به معنی یاد کردن و حضور آری را در ذهن و دل نگاه داشتن و پروراندن آن می باشد و رسیدن به ماورا؛
- ۶- تمرکز؛ شامل نگاه کردن به شعله شمع، نگاه کردن به آینه، نگاه کردن به طلوع و غروب آفتاب و تمرکز روی یک موضوع معین و هر چیز دیگری باشد.
- ۷- چهل روز در قبرستان نشستن از اذان مغرب تا اذان صبح.
- ۸- چهل روز بالای کوه به مدت ۲ ساعت نشستن برای ذکر
- ۹- ترک حیوان یا خودداری از مصرف گوشت و فرآورده های آن
- ۱۰- مداومت لذکار به منظور تجمع هواس و تمرکز فکر
- ۱۱- لباس سفید و پاک در موقع ذکر، خوشبو کردن خود با گلاب یا عطر
- ۱۲- زمانی که در چله هستی از بریدن شاخه ریخت و سر بریدن حیوانات خودداری کنید.
- ۱۳- در کنار ساحل دریا نشستن و به مدت ۳ ساعت ذکر گفتن

ذکر حروف تہجی

حروف تہجی: بیست و ہشت حروف ابجد را حروف تہجی گویند.

اولین مرحلہ ذکر:

ذکر حروف تہجی: ہر حرف را در یک روز، روزی ... مرتبہ ذکر می کنیم تا ۲۸ روز.

حروف ابجد کبیر: الف - ب - ج - د - هـ - و - ز - ح - ط - ی - ک - ل
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۲۰ ۳۰

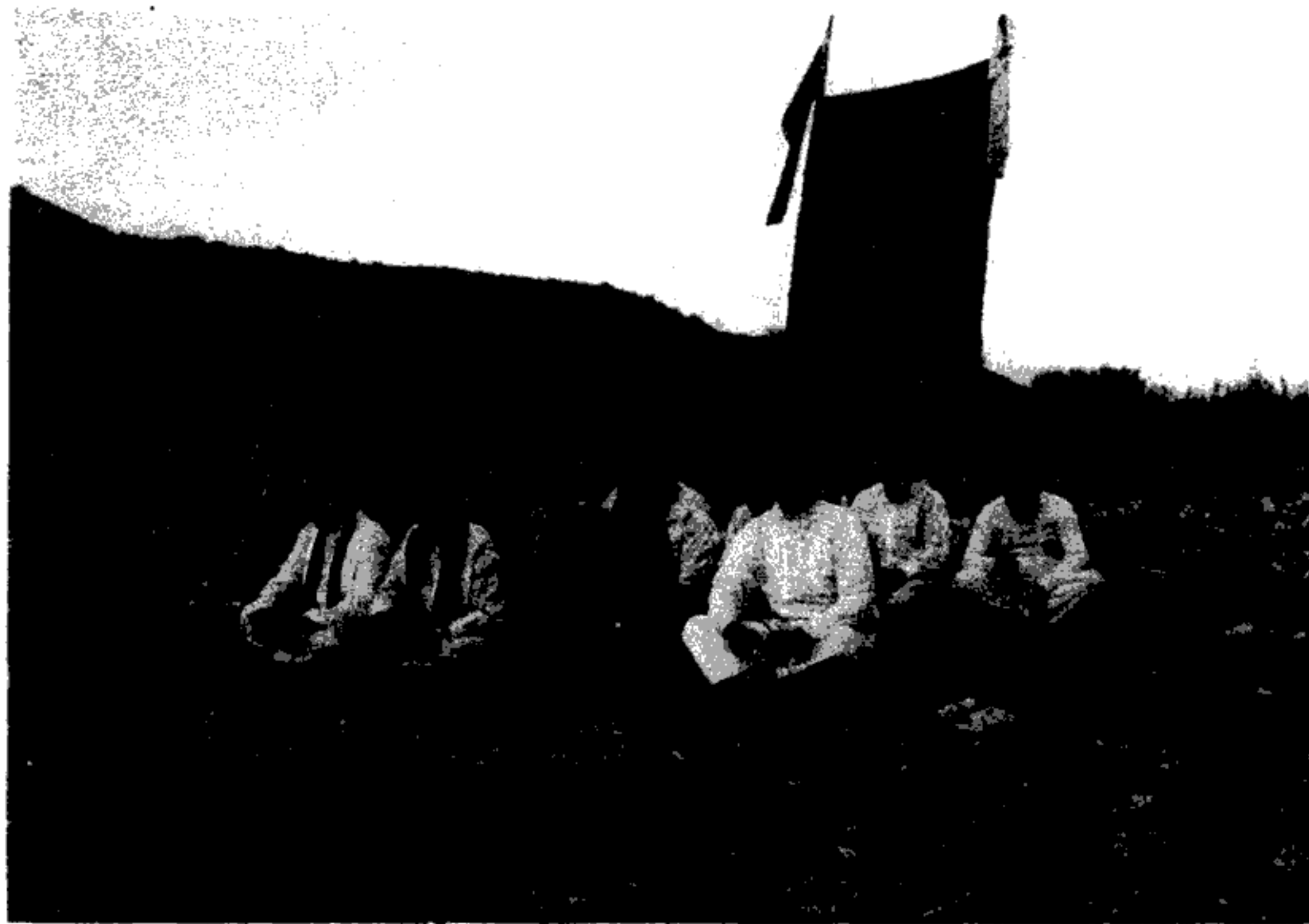
م - ن - س - ع - ف - ص - ق - ر - ش - ت - ث - خ - ذ - ض - ظ - غ
۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰ ۱۰۰

حروف ابجد صغیر: الف - ب - ج - د - هـ - و - ز - ح - ط - ی - ک - ل
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۸

م - ن - س - ع - ف - ص - ق - ر - ش - ت - ث - خ - ذ - ض - ظ - غ
۴ ۲ ساقط ۱۰ ۸ ۶ ۴ ۱ ساقط ۴ ۱ ساقط ۴ ۱ ساقط ۱۸ ساقط ۴

بعد از تمام این اذکار، ذکر اسماء اعظم خدا را شروع می کنیم، کہ هر یک از اسما در ... مرتبہس گویم.

ذکر دست جمع کنار رودخانه



Handwritten text in Urdu script, possibly a signature or title, located at the top center of the page.



اسماء الحسنی	معنی اسماء	اعداد	جمالی یا جلالی مشترک	صواکیل	عناصر
الملك	پادشاه مطلق	۹۰	مشترک	یا خرد در ائیل رومائیل	خالگی
القدوس	پادشاه پاک	۱۷۰	جمالی	یا هنر ائیل عطر ائیل	ابی
السلام	همیشه قائم و بی عیب	۱۳۱	جمالی	یا رومائیل همواکیل	باری
المؤمن	ایمن کننده	۱۳۶	ایضاً	یا رومائیل جولائیل	آش
المؤمن	گواه راست	۱۴۵	ایضاً	یا لکائیل سیرکائیل	ایضاً
العزیز	عزت دهنده	۹۴	ایضاً	یا لومائیل عزرائیل	ایضاً
الجبار	زور کننده	۲۰۶	جلالی	یا لکائیل عطر ائیل	ایضاً
المتکبر	صاحب غرور	۴۶۲	ایضاً	یا رومائیل اهرائیل	خالگی
الخالق	هست کننده	۷۳۱	ایضاً	یا میکائیل خورائیل	ایضاً
البارئ	آفریدگار مطلق	۲۱۳	مشترک	یا جبرائیل اهرائیل	آش
المصور	نگارنده صورتها	۳۳۶	جمالی	یا اجائیل سرجمائیل	آش
القهار	غضب کننده	۳۰۶	جلالی	یا درد ائیل عطر ائیل	خالگی
الغفار	آمرزگار	۱۲۸۱	جمالی	یا لوخائیل رحاکیل	آش
الوهاب	بخشاینده	۱۴	جمالی	یا رفقائیل جبرائیل	خالگی
الرزاق	روزی دهنده	۳۰۸	ایضاً	یا اسرافیل حرفائیل	آش
الفتاح	گشاینده	۴۸۹	ایضاً	یا سرخائیل تنکفیل	ایضاً
العلیم	دانای همه چیز	۱۵۰	ایضاً	یا لومائیل رومائیل	خالگی
القابض	قبض کننده روزی	۹۰۳	جلالی	یا عطر ائیل عطا ئیل	باری
الباسط	فراخ کننده روزی	۷۲	جمالی	یا حیرائیل اسماعیل	ایضاً
الرافع	بردارنده	۳۵۱	ایضاً	یا سرجمائیل لومائیل	ایضاً
الخافض	فروبرنده	۱۴۸۱	جلالی	یا جبکائیل عطا ئیل	آش
المعز	عزیز کننده	۱۱۷	جمالی	یا رومائیل لومائیل	خالگی

عناصر	مواکيل	جالی یا جلالی مشترک	اعداد	معنی اسماء	اسماء الحسنی
آتش	یا ہیرائیل سرکیطائیل	ایضاً	۱۸۰	نشوونده بجمہ حال	السَّمِيعُ
خاکی	یا حیرائیل سرجمائیل	ایضاً	۳۰۲	بیندہ بیظان و آشکار	الْبَصِيرُ
آتش	یا تنکیئیل یارومائیل	جلالی	۷۸	صاحب حکمت	الْحَكِيمُ
آتش	یا طاٹائیل لومائیل	مشترک	۱۱۴	دادگر خدایق	الْقَدِيرُ
ایضاً	یا اسمائیل رومائیل	جالی	۱۲۹	پاکیزہ و مہربان	اللطيف
ایضاً	یا مرکائیل رومائیل	ایضاً	۸۱۲	خبردار از ہمہ چیز و ہمہ حال	الْخَبِيرُ
ایضاً	یا عطرائیل سرکیطائیل	ایضاً	۳۱۲	نفا عیان مطلق	الرَّقِيبُ
باری	یا کلکائیل حیرائیل	ایضاً	۵۵	قبول کنندہ رعا	الْمُجِيبُ
آتش	یا رفمائیل لومائیل	ایضاً	۱۳۷	سیا رعا کنندہ	الْوَاسِعُ
خاکی	یا تنکیئیل خردرائیل	ایضاً	۶۸	ستوار کار درست گفتار	الْحَكِيمُ
آتش	یا رفمائیل دررائیل	ایضاً	۲۰۹	دوستان نیکان	الْوَدُودُ
ایضاً	یا لومائیل اسمائیل	ایضاً	۱۰۵	خداوند بزرگوار	الْمُعْظَمُ
خاکی	یا لومائیل رجمائیل	ایضاً	۱۲۸۶	آمرگار	الْقُدُورُ
ایضاً	یا لومائیل سرکیطائیل	ایضاً	۵۲۶	سپاس رارندہ نیکان	الْمَشْكُورُ
ایضاً	یا حزدرمائیل حیرائیل	ایضاً	۱۱۰	برتر از ہمہ برتران	الْعَلِيُّ
آتش	یا سرجمائیل اوزرائیل	ایضاً	۲۳۲	بزرگوار بر ہمہ چیز	الْكَبِيرُ
خاکی	یا رومائیل عطرائیل	جالی	۹۹۸	نفا ہدارندہ	الْحَفِيفُ
آتش	یا جمائیل سرکیطائیل	ایضاً	۵۵۰	توانا و قوت دہندہ	الْمَقِيْتُ
ایضاً	یا کلکائیل حیرائیل	مشترک	۸۰	حساب کنندہ	الْحَسِيبُ
ایضاً	یا خورائیل اہمرازائیل	جلالی	۷۳	بزرگوار بزرگان	الْجَلِيلُ
خاکی	یا رومائیل کلکائیل	جالی	۲۷۰	گرہاہی کنندہ	الْكَرِيمُ
آتش	یا حیرائیل میکائیل	ایضاً	۵۷	بزرگوار تر از ہمہ	الْمَجِيدُ

اسماء الحسنی	معنی اسماء	اعداد	جمالی یا جلالی مشترک	مواکیل	عناصر
الباعث	فرستنده رسولان	۵۷۳	مشترک	یا حیرائیل میکائیل	ایضاً
الشهید	زنده کننده مردگان	۳۱۹	ایضاً	یا عطرائیل تنکفیل	باری
الحق	گواه راست مطلق	۱۰۸	ایضاً	یا عطرائیل تنکفیل	اسی
القوی	بخدائی و سلطانی درست	۱۱۶	جلالی	یا عطرائیل تنکفیل	ایضاً
الوکیل	کارردان و نگهبان	۶۶	جمالی	یا خورائیل طائیل	حالی
المتین	توانا	۵۰۰	جلالی	یا عزرائیل حولائیل	اسی
الولی	یار نیکو کاران	۴۶	جمالی	یا رفقائیل سرکیطائیل	حالی
الحمید	ستوده بصفت	۶۲	ایضاً	یا تنکفیل میکائیل	ایضاً
المحصى	شماره کننده	۱۴۸	ایضاً	یا رجائیل سرکیطائیل	اسی
المبدي	آفریننده بار دیگر	۵۶	جلالی	یا حیرائیل دردائیل	ایضاً
المعید	وعدہ کننده	۱۲۴	ایضاً	یا رومائیل سرکیطائیل	ایضاً
المجیب	زنده کننده	۶۸	جمالی	یا حیرائیل تنکفیل	ایضاً
المجیب	میراننده	۴۹۰	جلالی	یا رومائیل عزرائیل	ایضاً
الغنی	همیشه زنده	۱۸	ایضاً	یا عطرائیل رفقائیل	ایضاً
القیوم	پابنده همیشه	۱۵۶	ایضاً	یا عطرائیل رفقائیل	ایضاً
الواحد	کتیبا سازنده کارها	۱۴	جمالی	یا کدکائیل دردائیل	حالی
الماجد	بزرگی کننده	۴۸	ایضاً	یا رومائیل دردائیل	ایضاً
الواحد	تنها و بیک	۱۹	مشترک	یا رفقائیل دردائیل	باری
الاحد	تنها بخدائی	۱۳	جمالی	یا تنکفیل دردائیل	اسی
الصمد	پاک بی نیاز	۱۳۴	ایضاً	یا اجائیل یا رومائیل	حالی
القادر	قدرت کننده و داننده	۳۰۵	جلالی	یا عطرائیل احوائیل	اسی
المقدر	توانا و تقدیر کننده	۷۴۴	ایضاً	یا رومائیل عطرائیل	ایضاً

اسماء اگنی	معنی اسماء	اعداد	جلائی یا جمالی مشترک	مواکیل	غناہر
المُعْتَم	همیشه هست	۱۸۴	مشترک	یا عزرائیل در دانیل	ایضاً
المُوَعَّر	همیشه خواهد ماند	۸۴۶	ایضاً	یا رفتمائیل میکائیل	خانی
الأوّل	آنکه همیشه بورد	۳۷	ایضاً	یا طاطائیل رفتائیل	ایضاً
الآخر	آنکه همیشه باشد	۱۰۱	ایضاً	یا میکائیل اهرائیل	ایضاً
الباطن	پنهان از چگونگی	۶۲	ایضاً	یا در دانیل اورائیل	خانی
الظاهر	پیدا هستی	۱۱۰۶	مشترک	یا حیرائیل اسماعیل	خانی
الوالی	برتر بقدرت و وارث	۴۷	ایضاً	یا رفتمائیل سرلیطائیل	باری
المبتغالی	بزرگ و برتر	۵۵۱	ایضاً	یا طاطائیل عزرائیل	ایضاً
التبّ	نیوکام مطلق	۲۰۲	جمالی	یا حیرائیل باهرائیل	خانی
التوّاب	قبول کننده توبه	۴۰۹	ایضاً	یا عزرائیل حیرائیل	بسی
الغنی	بی نیاز کننده	۱۰۶۰	مشترک	یا روحائیل حولائیل	خانی
المنعم	نعمت دهنده بندهگان	۲۰۰	ایضاً	یا اسمائیل رومائیل	بسی
المنعم	نعمت دهنده	۱۷۰	جمالی	یا حولائیل رومائیل	خانی
العفو	معاف کننده گناه	۱۵۶	ایضاً	یا لومائیل سرجمائیل	خانی
الزّوّف	در گذر و مهربان	۲۸۶	ایضاً	یا اهرائیل سرجمائیل	بسی
مالک الملک	مالک تمام خلق	۲۱۲	جلائی	یا رومائیل خردرائیل	ایضاً
ذوالجلال	صاحب بزرگی	۸۰۱	ایضاً	یا خردرائیل طاطائیل	بسی
وَالْأَكْرَام	و کتیم کریمان	۲۹۹	ایضاً	یا خردرائیل طاطائیل	بسی
الذّب	پروردگار	۲۰۲	جمالی	یا اهرائیل حیرائیل	خانی
المقسط	را دگر	۲۰۹	جلائی	یا اهرائیل اسمائیل	بسی
الجامع	فراهم کننده	۱۱۴	مشترک	یا کلکائیل لومائیل	خانی
المغنی	بی نیاز	۱۱۰۰	جمالی	یا در دانیل لومائیل	بسی
		۱۲۹	جمالی		بسی

اسماء الحسنیٰ	معنی اسماء	اعداد	جلائی یا جمالی مشترک	مواکیل	نصاب
المُعْطَى	عطا کنندہ	۱۲۹	جمالی	یا لومائیل اسمائیل	آبی
الضَّائِرُ	زیان کنندہ	۱۰۰۱	جمالی	یا اجمائیل اھراطیل	آبی
الْمَانِعُ	باز دارندہ	۱۶۱	جلائی	یا رومائیل لوحائیل	آبی
النَّافِعُ	سود کنندہ	۲۰۱	جلائی	یا حولائیل سرجمائیل	ایضاً
النُّورُ	روشن کنندہ	۲۵۶	مشترک	یا رفتائیل اھراطیل	آبی
الھَارِی	راہ نمائندہ	۲۰	جمالی	یا دردائیل سرکیطائیل	آبی
الْبَدِيعُ	آفرینندہ نادر	۸۶	مشترک	یا جبرائیل رومائیل	خاکی
الْبَاقِی	پس از خلق بماند	۱۱۳	جمالی	یا عطرائیل رومائیل	آبی
الْوَارِثُ	میراث گیر شدہ	۷۰۷	جلائی	یا رفتائیل میکائیل	آبی
الذَّشِیدُ	راست تقدیر و درست	۵۱۴	مشترک	یا ہرائیل دردائیل	خاکی
الصُّورُ	جلدی نکلندہ عذاب	۲۹۸	جمالی	یا اھمائیل اھراطیل	ھاری

«ذکر چار قیل»

بہ مدت ہفت روز، روزی ہفت مرتبہ چار قیل را بخوانید۔

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ① لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ② وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ③
وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ④ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ⑤ نَكُم دِينُنَا وَإِلٰهُ رَبِّنَا ⑥

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ① اللَّهُ الصَّمَدُ ② لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ③ وَلَمْ يَلُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ④

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

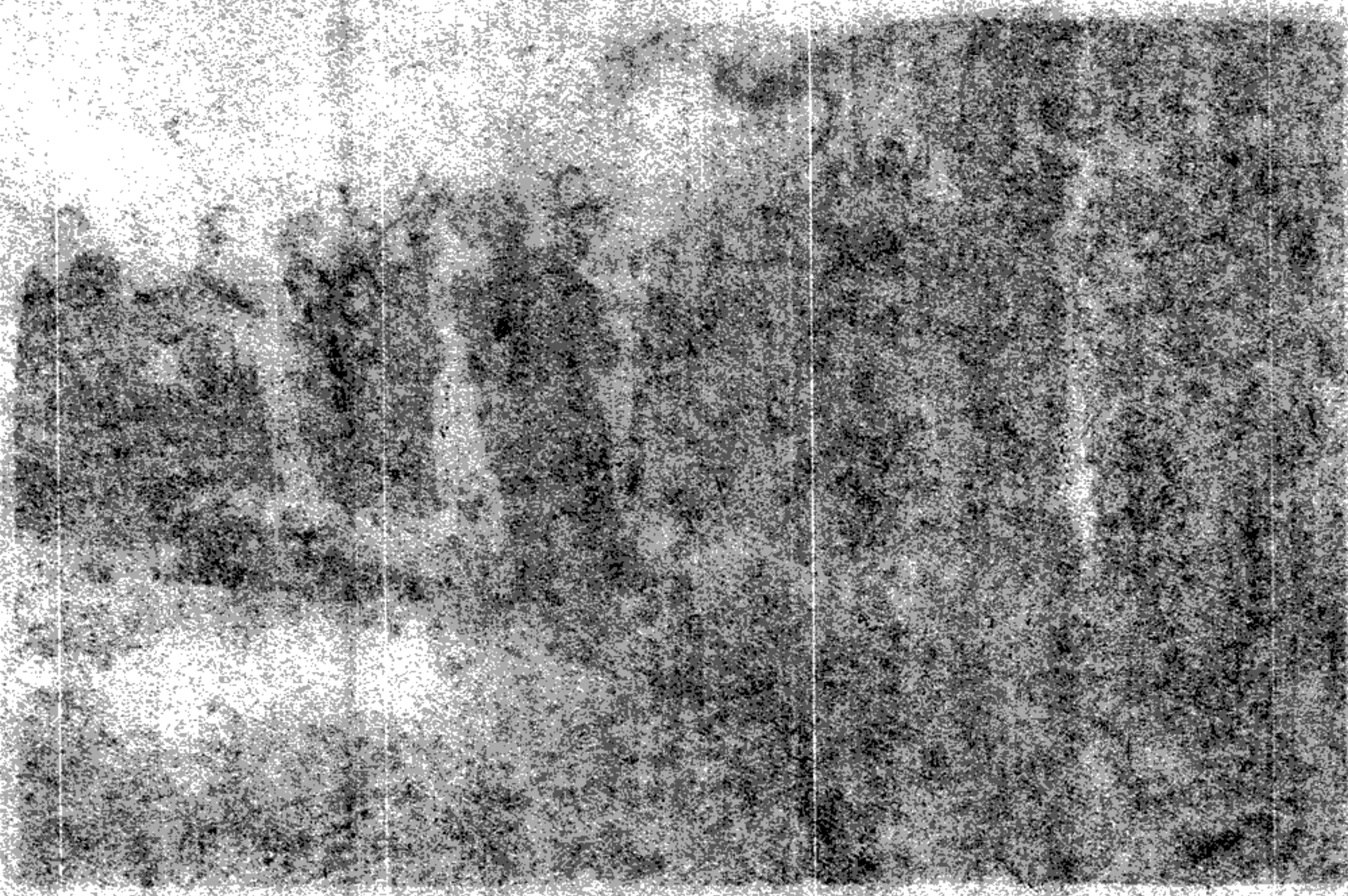
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ① مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ② وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ③ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ④ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ⑤

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ① مَلِكِ النَّاسِ ② إِلَهِ النَّاسِ ③ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ④ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ⑤ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ⑥

« اشخاصی که معجزه را در آسمان با چشم خود دیدند »





Handwritten text in a cursive script, likely in Urdu or Persian, located at the top of the page. The text is somewhat faded and difficult to read due to the image quality.

شرح ذکرهای و منها

مجموع احادیث ائمه قرآنی است مفصل و قرآن مجمل آنست پس مثلاً این گونه ادعیه از قرآن استخراج شده است و از اینگونه در قرآن بسیار است و نیز بعضی اذکار است که از قرآن استخراج شده و آنها دارای ثواب می باشد ...
.. اذکار چین می باشد که در ذیل ذکر می شود و هر خط از ذکر و منها را روز ۷۲ مرتبه

- با هفت روز بخوانید

۱ روز اول - وَمِنْهَا رَبَّنَا عَمَلِكُ تَوَكَّلْنَا وَ اَلَيْكَ اُنْبَاءُ اَلْيَكِ الْمَصِيرُ ...

۲ روز دوم - وَمِنْهَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اَغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ...

۳ روز سوم - وَمِنْهَا رَبِّ اِنِّیْ سِنِی الضَّرْوَابِیْتِ اَرْحَمِ الرَّاحِمِیْنَ

۴ روز چهارم - وَمِنْهَا رَبِّ لَا تَذِرْنِیْ فَرْدًا وَاَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِیْنَ ...

۵ روز پنجم - وَمِنْهَا رَبِّ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّیْطَانِ وَ اَعُوْذُ بِكَ رَبَّنَا اِنْ یَحْضُرُوْنَ ...

۶ روز ششم - وَمِنْهَا رَبَّنَا اٰمِنًا نَاغْفِرْ لَنَا وَ اَرْحَمْنَا وَاَنْتَ خَیْرُ الرَّاحِمِیْنَ ...

۷ روز هفتم - وَمِنْهَا رَبَّنَا اَغْفِرْ وَاَرْحَمْ وَاَنْتَ خَیْرُ الرَّاحِمِیْنَ ...

١٤ روز هشتم - وَمِنْهَا رَبُّنَا الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ الْحَكِيمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ -

١٥ روز نهم - وَمِنْهَا حَسْبِي اللَّهُ وَعَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُؤْمِنُونَ -

١٦ روز دهم - وَمِنْهَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ الْمُسْتَعِينُ -

١٧ روز یازدهم - وَمِنْهَا أَمْرٌ إِلَى اللَّهِ أَنْ يَنْصُرَ بِمَنْ يَشَاءُ أَوْ يَعْزِزَ -

١٨ روز سیزدهم - وَمِنْهَا تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ -

١٩ روز چهاردهم - وَمِنْهَا هُوَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

٢٠ روز ١٥ - وَمِنْهَا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَمِنْهَا اللَّهُ رَبُّ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ وَمِنْهَا بَعَثَ

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ -

٢١ روز ١٦ - وَأَوْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْعَالَمِينَ -

٢٢ روز ١٧ - وَمِنْهَا وَلَهُ الْكِبْرُ يَا عَزِيزُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ -

٢٣ روز ١٨ - وَمِنْهَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ -

٢٤ روز ١٩ - وَمِنْهَا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الَّذِي يَوْمُ الْقِيَامِ -

٢٥ روز ٢٠ - وَمِنْهَا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ -

۷ روز ۲۱ - وَمِنْهَا مَا شَاءَ اللَّهُ لِأَقْوَةِ الْإِلَهِ -

۷- روز ۲۲ وَمِنْهَا هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَاب... -

ذکر بعد ...؟

این ذکر را روز ۱۱۹ بار تا هفت روز بخوانید

إِلَهِكَ تَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ.....

ذکر بعد

هر یک از این اذکار را روزی هزار مرتبه تا هفت روز بخواند شود.

۱- الملك هر که این نام را همه روز شصت و چهار بار بخواند و مداومت بر او

داشته باشد ملک او زوال نیابد...

۲- القدوس هر کس در روزهای جمعه صد و هفتاد بار این اسم را بخواند باطن او

از خصلت‌های بد پاک گردد...

۳- السلام آنکه این اسم را صد نوبت بر بیمار به خواند آ بیمار صحت یابد...

۴- المؤمن آنکه صد و سی و شش نوبت این اسم را بخواند از شر انس و جن

در امان خواهد باشد...

۵۔ الیمین - کیکہ صدویست و پنج مرتبہ این اسم را بخواند باطن او صاف شود و
براسرار و حقایق مطلع گردد...

۶۔ العزیز هرکه در عقب نماز صبح در همه روزه نود و چهار نوبت این نام بخواند
اسرار علوم غریبه بر او مکتوف شود و هر که چهل روز هر روزی چهل نوبت بخواند
محتاج نگردد۔۔

۷۔ الجبار هرکه این اسم را همه روزه بیست و یک نوبت بخواند از ظلم ظالمان
ایمن گردد

۸۔ المتکبر هرکه این اسم در نزد جباران بخواند از شر آنها ایمن گردد و آن
جباران ذلیل او شوند

۹۔ الخالق - هر که مداومت بذكر این اسم نماید خداوند دل او را نورانی کند ...

۱۰۔ الباری هرکه این اسم را زیاد بخواند جسد او تازه بماند در قبر نپوسد ...

۱۱۔ المصور هر زنی که این اسم را بر جام بنویسد بعد از آنکه هفت روز - روزه

گرفت باشد در وقت نوشتن هم سیزده بار این اسم بخواند و آب باران بشوید
و او را بیا شامد خداوند ولد صالحی باو عطا فرماید هر چند عقیم باشد ...

۱۲- الغفار کسیکه در وقت نماز جمعه صد نوبت بگوید اللهم اغفر لی یا غفار

خداوند متعال او را بیا مرزد....

۱۳- القهار هر کس این نام را بسیار بخواند حب دنیا از دل او برود و کسیکه در تحت

الشعاع بگوید - یا قاهر یا قهار یا ذا البطش الشیطان الذی لا یطاق انتقامه ... و بر

دشمن نفرین کند خداوند دشمن او را مقهور او گرداند و او را از شر آن دشمن ایمن گرداند

۱۴- الوهاب هر کس که چهارده مرتبه این اسم را در سجده بخواند خدا حاجت او دهد و

غنی گردد و کسیکه در آخر شب سر برهنه کند و دستها را بلند نماید و صد نوبت بگوید الوهاب

خدا حاجت او را، روا سازد و فقر را از او دور کند و هر که بسیار گوید الکریم الوهاب

ذو الطول خدا روزی او را از جای رساند که گمان بر نباشد

۱۵- الرزاق الرزاق کسیکه بسیار گوید این اسم را خداوند برکت را شامل حال او کند

۱۶- الفتح هر که هفتاد بار این اسم را بخواند در حالیکه دست خود را بر سینه گذاشته

شده حاجت او را از دل او بردارد....

۱۷- العلیم هر که این اسم را بخواند و مداومت بر او کند درهای معرفت بر دل او گشوده شود...

۱۸- الحقیط الحکیم آنکه بر این دو اسم مداومت کند مطالب او برآورده شود و همچنین

است ذکر.....

۱۹- الحليم الحليم ذكر الحليم والحليم که مداد است بر این دو نام همه مهمات ذکر بر آورده شود

۲۰- الفایض - الفایض هر کس این نام را چهل نوبه بر چهل لقمه نان بنویسد و در چهل روز بخورد هرگز در مدت عمر گرسنه نشود

۲۱- الباسط هر کس در وقت سحر دستها را بلند کند و ده نوبت این نام را بخواند هرگز محتاج دیگری نگردد

۲۲- عالم الغیب کسیکه بعد از نماز صبح نوبت این اسم را بخواند منیبات بر او مکتف گردد

۲۳- العافض کسیکه هفتاد نوبت این اسم را بخواند خدا شریکها را از او دفع نماید.....

۲۴- الرافع کسیکه در عقب نماز ظهر صد نوبت این اسم را بخواند خدا مرتبه او را بلند گرداند.....

۲۵- المعز ... ذکر این نام را خدا عزت روزی گرداند

۲۶- المنزل کسیکه در شب تاریک بروی خاک سجده کند و هزار نوبت بگوید المنزل وبعد آن

بگوید یا منزل الجبارین و میر الطالمین ان فلا یبغی اسم آن شخص ظالم را ببرد و بگوید اذ لمنی فخذنی حقی منه خدا همان وقت آن ظالم را بگیرد.....

۲۷- السميع كسيه اين نام را بسيار بخواند دعاء او مستجاب شود

۲۸- البصير يعني عالم بمصرات كسي كه در روزهاي جمعه اين نام را بسيار بخواند

عنايت الهي شامل او گردد.....

۲۹- الحكيم العدل هر كس اين دو اسم را در دل شب بسيار بخواند خدا باطن او

را خزانه سر خود ساز

۳۰- اللطيف كسيكه در وقت شدت اين اسم را بخواند بزودي از شدت

نجات يابه

۳۱- الخير هر كس در هر شب بعد از بيداري دگر سنگلي مداومت بذكر الهادي

والخير المبين نمايد بر اسرار نقيب مطلع گردد و هم چنين است هرگاه النور الهادي را

بسيار بخواند و بعد از آن بگويد اهدنا يلهادي واخبرني يا خير و بين لي يا مبین.....

۳۲- الحليم هر كس را كه خوفي باشد بگويد الحليم الروف المنان ازان

خوف ايمن گردد.....

۳۳- الغفور هر كس اين اسم را بسيار بخواند و سواس او ذرايل گردد

۳۴- الشكور هر كس اين نام را چهل نوبت بر آب بخواند و چشمي كه درد ميكند

آن آب بشويد آن درد بر طرف ميگردد.....

- ۳۵- العلی هرکس که این نام را بسیار بخواند و بر خود بیاورد نزد مردم عزیز و مکرّم باشد
- ۳۶- الکبیر کسی که بعد از ریاضت این نام را بعد در حروف آن نماید بخود دارد ...
هرگز خوف بر او نالبد و دلگرد و ذکر این است همیشه محفوظ است
- ۳۷- الحسب هرکس این اسم را در هفت هفته بخواند خدا کفایت مهات او نماید و باید از روز پنجشنبه شروع کند در هر روزی هفتاد نوبت بخواند
- ۳۸- الجلیل هرکس مداومت بکند این اسم نماید هرکس او را به پیشه تعظیم باو کند و از خوفی در دل او افتد ...
- ۳۹- الکریم هرکس در وقت خواب این اسم را بخواند تعالی ملائکه را امر کند برای او دعا کنند و بگویند که خدا ترا ایمن گرداند المعبود القریب کسی این دو اسم را بسیار بخواند خدا او را ایمن سازد
- ۴۰- الواسع هرکس این اسم را بسیار بخواند خدا روزی او را وسعت دهد ...
- ۴۱- الودود هرکس این اسم را هزار بار بر طعام می بخواند و دو کس که میان ایشان عداوت باشد از آن طعام تناول کنند با یکدیگر دوست شوند ...
- ۴۲- الشافی کسیکه باین اسم مداومت کند از همه المهاشفا یابد ...

(۴۳) الباعث: کسی که این اسم را صد نوبت در وقت خواب بخواند و دست خود را بر سینه کشد

خدا باطن او را زنده دارد و دل او را نورانی سازد.

(۴۴) الشهد الحق: کسی که این دو نام را بر چهار گوشه کاغذ بنویسد و نام آنچیزی که از او گم شده یا غائب گردیده در میان آن کاغذ بنویسد و در نصف شب در زیر آسمان بان کاغذ نگاه کند و هفتاد بار این دو اسم را بخواند خبر از گمشده یا غایب باورسد.

(۴۵) الوکیل: کسی که این نام را وارد خود سازد از سوختن و غرق شدن ایمن باشد.

(۴۶) القوی: کسی که او را دشمنی باشد گه قدرت بردمغ او نداشته باشد هزار گلوله از آرد بسازد و هر

کدام این اسم را بخواند و آن گلوله های آرد را نزد طيور اندازد از شر آن دشمن ایمن گردد.

(۴۷) المعید: کسی که در نصف شب در زاویه های خانه خود بایستد هفتاد نوبت این نام را بخواند

و بعد از آن بگوید یا معید زد علی کذا یعنی نام غایب خود را ببرد در همان هفته آن خبر به او برسد.

(۴۸) المحی الممیت: هر کس که نفس او از اطاعت گریزان باشد در وقت خواب

دست خود را بر سینه خود گذارد این دو اسم را بخواند نفس او بطاعت رغبت نماید.

(۵۰) الحی: کسی که این اسم را بر سر بیمار یا صاحب درد چشم بخواند از آن بیماری و درد چشم

نجات یابد.

(۵۱) القیوم: هر که این دو اسم را بسیار بخواند قلب او تصفیه یابد و هر کس در آخر شب به ذکر

الحی القیوم مشغول شود نفعی عظیم باورسد و این اسم را بر خاتم خود نقش کند خدا اسم او را

در میان مردم زنده دارد و در میان مردم مشهور گردد و از هر خوفی ایمن باشد.

(۵۲) الواجد: هر کس این نام را بر طعام بخواند و طعام خود را بخورد در باطن او نوری بزم رسد.

(۵۳) الماجد: کسی که در خلوت این اسم را بخواند مورث جلا قلب او شود.

(۵۴) الأخذ: کسی که بعد از ریاضت در خلوت هزار نوبت این نام را بخواند ملائکه را

مشاهده کند.

(۵۵) الصمد: ذکر این نام در گرسنگی نبیند.

(۵۶) القادر: کسی که در وقت وضوء این نام را بسیار بخواند بر دشمن غالب گردد.

(۵۷) البر: کسی که مداومت به ذکر این نام نماید اطفال او تا وقت بلوغ از بیماریها سالم

باشند.

(۵۸) الثواب: هر کس که این نام را بسیار بخواند خدا توبه او را قبول فرماید.

(۵۹) المنتقم: کسی که مداومت بذكر آن نماید از شتر دشمن این گردد.

(۶۰) الزوف: کسی که این نام را در نزد ظالمی بخواند آن ظالم ذلیل گردد.

(۶۱) السبوح: کسی که بعد از نماز جمعه این نام را بر زبان بنویسد و بخورد صفات ملکیم

رساند.

(۶۲) الترب: کسی که بسیار بگوید خدا او را و اولاد او را محافظت کند.

(۶۳) مالك الملك: کسی که مداومت به ذکر این نام نماید خدا او را در دنیا و عقبی ثواب بسیار گرداند.

(۶۴) الغنی المغنی: کسی که در هر جمعه در هر جمعه هزار بار این نام را بگوید حیوانی نخورد خدا او را غنی

سازد و آن سوره فاتحه را نیز با این عدد کسی بخواند یقین که غنی گردد.

(۶۵) المعطی: کسی که بسیار بگوید یا معطی السائلین خدا او را محتاج سوال ننماید.

(۶۶) المانع: کسی که در وقت خواب این نام را بسیار بگوید قرض او ادا بشود.

(۶۷) النور: کسی که هزار نوبت این نام را بخواند خدا ظاهر و باطن او را نورانی گرداند.

(۶۸) الحاری: هر کس مداومت بخواند این اسم نماید خدا معرفت خود را روزی

او گرداند.

(۶۹) البدیع: کسی که هزار نوبت این نام را بخواند هر حاجتی که دارد آرد؛ گردد.
 (۷۰) الوارث: کسی که هزار نوبت بگوید خدا را بحق را با و بنماید.
 (۷۱) الصبور: کسی که هزار مرتبه این اسم را بخواند خدا او را در شداید صبری که امت فرماید.

«در بیان سود و نخس ستارگان و ساعاتی آنها»

نوشتن در آن ساعت با تعویذات و خواندن عمل مفید است بدانکه مشتری سود آبر است.
 در ساعت آن تعویذ حجب و حاضری غایب و رفع عارضه باید نوشت.
 زهره سود صغیر است در ساعت آن تعویذ الفت و زبان بندگی و خواب بندگی باید نوشت.
 عطارد: مشترک است در ساعت آن تعویذ حجت و شفای امراض باید نوشت.
 شمس: سود است در ساعت آن تعویذ حجب و شفای امراض نوشتن مناسب است.
 قمر: راهم سود می گویند در ساعت آن تعویذ حجب و اخلاص و شفای امراض نویسد.
 زحل: نخس آبر است در ساعت آن تعویذ هلاکی اعدا باید نوشت کین طالب را از دست که وقت
 سه کار کند و در وقت نخس هیچ کار نکند که با انجام نخواهد رسید در ساعت سود هر کار که کند انجامش
 بجزر و مفیدتر خواهد شد اشتر تع

جدول ساعتنامه

پاس چهارم			پاس سوم				پاس دوم				پاس اول		
ساعت ۱۲	ساعت ۱۱	ساعت ۱۰	ساعت ۹	ساعت ۸	ساعت ۷	ساعت ۶	ساعت ۵	ساعت ۴	شب روز	ساعت ۳	ساعت ۲	ساعت ۱	شب روز
قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	شب	زهره	شمس	مریخ	شب
زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	روز	مریخ	مشتری	زحل	شب
مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	شب	زحل	قمر	عطارد	شب
زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	روز	عطارد	زهره	شمس	روز
عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شب	شمس	مریخ	مشتری	شب
شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	روز	مشتری	زحل	قمر	روز
مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	شب	قمر	عطارد	زهره	شب
قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	روز	شمس	زهره	مریخ	روز
زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	شب	مریخ	مشتری	زحل	شب
مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	روز	زحل	قمر	عطارد	روز
زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	شب	عطارد	زهره	شمس	شب
عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	روز	شمس	مریخ	مشتری	روز
شمس	مریخ	مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	شب	مشتری	زحل	قمر	شب
مشتری	زحل	قمر	عطارد	زهره	شمس	مریخ	مشتری	زحل	روز	زهره	مریخ	مشتری	روز

” نشیمن یوگا درخت مندل حالت نیلوفر ”



Handwritten text at the top of the page, possibly a title or header, which is mostly illegible due to the image quality.



”چهار عنصر اصلی“

(۱) آتش (۲) باد (۳) آب (۴) خاک

”چهار پیامبری که زنده هستند“

(۱) الیاس (۲) ادریس (۳) خضر (۴) عیسی

”چهار ستون قرآن“

(۱) سوره کافرون (۲) اخلاص (۳) ملق (۴) ناس

”چهار عنصر جاندار“

(۱) آتش (۲) آب (۳) خاک (۴) باد
 ↓ ↓ ↓ ↓
 استخوان خون گوشت روح

”۵ تن که بدون پدر و مادر دنیا آمدند“

(۱) آدم (۲) نوح (۳) سفید ابراهیم (۴) عیسی موی (۵) خضر عیسی

ShivaDoc.com

شرایط لازم جهت انجام دادن اذکار

* توجه داشتن به عناصر ذکر شده در صفحه قبل هنگام ذکر گفتن لازم و واجب است.

- ۱) پوشیدن لباس سفید.
- ۲) قرار گرفتن در میان خط مندل^۱.
- ۳) روشن نمودن غُود در محل ذکر.
- ۴) وضو داشتن و مکرر بودن.
- ۵) سر را پوشاندن (برای خانمها).

۱) خط مندل: خطی است که به شکل دایره قرار می‌گیرد. (شخص) و این می‌تواند از نخ، سنگ چیدن به طور مدور

تشکیل شده باشد.

شرح دعائیس مغربا و ذکران

روایان گفتمند این ذکر را لا مرتبه به مدت بی روز بیان داشتن.

روایان صحیح الاخبار چنین ذکر فرموده اند که هرگاه کسی بخواند عمل او خلاف نشود و خطا نرود هفت مرتبه بر کاسه چینی بخواند که پیر از آب باشد و آن آب را بخورد و یا بجز کسی بدهد مضموع او گردد و اگر غایبی دارد در سفر باشد پس هفت مرتبه بطرف او دم بزوری از آن سفر باز گردد و اگر سه مرتبه بر مضموعی بدمنند از آن مرض شفا یابد.

- هرگاه پنج مرتبه بر مریضی بخوانند از آن مرض شفا یابد و مرض او دفع شود و بگوید: **اللّٰهُ بِعَرْمَتِ یَسَّ** این مریض را شفا بده فوراً شفا یابد.

- اگر بر کفدی بنویسد و بر کاغذ بدمد بسیار عجایب بیند بقدت حق تعالی -

1 هر کسی او را مطیع و فرمان بردار شود.

- اگر کسی سوره را بر شیرینی خواند و بخورد دشمنی در حد پس ربا او دوست گردد.

- هر کس این سوره را بر صندوق یا بر صندوق در ساعت زهره یا در ساعت مشتری هفت مرتبه

در یک مجلس بخواند و بر آتش نهد که بسوزد بیم آن باشد که از محبت او دیوانه گردد.

- اگر بر کاسه آبی بخواند و بخورد زک دهد آن پسرزاید.

- اگر چنانچه کسی را سحر کرده باشند سه مرتبه این دعا و این سوره را بخواند بر پیاز سفید

و بر آتش نهد و خود را بر آن دارد سحرها باطل گردد.

- اگر بر کاسه چینی با مشک و زعفران بنویسد و بشوید و یازده مرتبه این سوره را بخواند دل و

جگر وی قوی گردد و آنچه بشنود یاد بگیرد و فراموش نلند.

- اگر این سوره را هفت مرتبه بخواند به نیت فلان (نام شخص) فوراً حاضر می شود و اگر این سوره

به آب بخواند و با آن آب غسل کند و دو رکعت نماز بجا آورد و بعد از آن هفت مرتبه سوره قل

هو الله اخذ بخواند و بعد از سلام هر حاجت مشروعه که از خدا بخواهد بر آورده می شود.

- اگر این سوره بر سنگ آسیا بخواند از روی اعتقادات در سمت بخواند آن سنگ آسیا از حرکت -

باز آید و اگر دشمن نکند و اگر این سوره را بخواند و آب روان یا زرد جاری بخواند و از آن آب و سوره
بگیرد و در وقت نیاز جای آورد و در وقت بعد از نماز این سوره را بخواند اگر همه عالم را از
آب بگیرد به او ضرر نرساند و برساند.

اگر کسی دست تنگ باشد و بی چیز بود بعد از نماز خفتن یک مرتبه بخواند و صد مرتبه صلوات
بفرستد حق تعالی روزی او را فراخ کند.

اگر کسی را فرزند نشود یا نماند این سوره را با مشک و زعفران و گلاب بنویسد و بموم
گیرد و به آب اندازد و زن و مرد آن را بخورند بعد از آن این سوره را بخوانند و بر بازوی سمت
راست ببندد و زن و شوهر بخوابند به امر خدای تعالی از زنا حاصله شود.

هر کس این سوره مبارکه (یس مغرب) را بخورد داشته باشد از خطرات محفوظ ماند و به امر
خدا حرف او همه جا مقبول شود و عزیز باشد و الله اعلم.
این است سوره مبارکه یس مغرب.

یس مغرب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یس یس یس یس وَالْقُرْآنِ الْحَکِیْمِ ۱) إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ ۲) عَلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِیْمٍ ۳) لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ عَلٰی
أَكْثَرِھِم نَحْمٌ لَا یُؤْمِنُونَ ۴) إِنَّا جَعَلْنَا فِیْ أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَھِیَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَھُمْ
مُتَمَحَّرُونَ ۵) وَجَعَلْنَا مِنْ بَیْنِ أَيْدِیْهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِیْهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَھُمْ لَا
یُبْصِرُونَ ۶) وَسَوَاءٌ عَلَیْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْھُمْ لَا یُؤْمِنُونَ ۷) إِنَّمَا تُنذِرُ
مَنْ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمٰنََ الْغَیْبَ فَبَشِّرْهُ بِغَفْرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِیْمٍ ۸) إِنَّا نَحْنُ
نَحِی الْمَوْتِی وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَرَهُمْ وَكُلُّ شَیْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِی إِمَامٍ مُّبِیْنٍ ۹)

و سوره شمس را بخواند بعد از خواندن سوره يس مغرباً « سه مرتبه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا ① وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَطَّ ② وَالنَّجَارُ إِذَا حَلَّتْ ③ وَاللَّيْلُ إِذَا اِفْتَسَتْ ④
 وَالسَّمَاءُ وَمَا بَنَتْهَا ⑤ وَالْأَرْضُ وَمَا طَحَّتْهَا ⑥ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ⑦ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا
 وَتَقْوَاهَا ⑧ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ⑨ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ⑩ كَذَّبَتْ ثَمُودُ
 بِطَغْوَاهَا ⑪ إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا ⑫ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ⑬
 فَكَذَّبُوهُ فَفَقَرُوا هَا فَذَمُّمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ فذنبهم فسورها ⑭ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ⑮

وقصد مطلب کند و انگشت خضر کند تا پانزده مرتبه بگوید ایایک نعبد و ایایک نستعین
 ده مرتبه بگوید انا الفقير ذوالحاجة پس بگوید اللهم سخري فلان بن فلان
 كما سخرت فرعون لموسى و لئن قلبه كما لئت الحديد لداود ره، لا يخلق إلا
 بأذنك حيوته و ناصية في قبضتك و في كيدك و جل ثناؤك يا أرحم الراحمين
 - ذکر ختم صلوة تنجينا -

۱- روز هفتاد مرتبه تا هفت روز خوانده شود. در ساعت سعد

۲- هرگز در ساعت سعد زحل ذکر نگردد

۳- ترک حیوان و یا خورداری از مصرف گوشت و فراورده ها آن

۴- از بریدن شاخه ها و یا سر بریدن حیوانات و از کوتاه کردن مو سر خورداری

کتبه ... ۵- پوشیدن لباس سفید و سوزاندن عود و نشستن مجال یوگا نیلوفر در

خط منزل ...

ع- هرگز نباید در زمانی که در خط مندل هستی تا ذکر هفتاد مرتبه تمام نشده است
خط مندل را ترک کنی...

اللَّهُمَّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِهِمْ تَجْنِينًا مِنْ جَمِيعِ الْأَحْوَالِ وَالْأَفَاتِ وَتَقْضِي لَنَا بِهَا جَمِيعَ
الْحَاجَاتِ وَتَطَهِّرْنَا بِهَا أَقْصَى الْعَايَاتِ مِنْ جَمِيعِ النَّجَارَاتِ فِي الْحَيَاةِ وَبَعْدَ الْمَمَاتِ
« ذکر وسعت رزق »

این ذکر را روزی ۹۹ مرتبه تا ۱۰ روز خوانده شود و بعد از اتمام ذکر مقداری جوانه
ماش میل کنی... الله لطيف بعباده يزوق من يشاء وهو القوي العزيز

جوانه ماش چیست؟ مقدار نیم لیلو ماش گرفت شود و خوب پاک کنی بعد از پاک
کون داخل آب گذاشته شود به مدت ۲۴ ساعت... بعد از ۲۴ ساعت
آنرا برداشته و داخل پارچه تمیزی گذاشته شود و آنرا داخل یک سیدی گذاشت
شود تا ۳ روز به آن آب دهید بعد از ۳ روز جوانه ماش آماده است

« ذکر یا باسط »

این ذکر را روزی ۱۰۱ مرتبه خوانده شود تا هفت روز...

و روزی لا عدد با دام خام میل شود...

يا باسط الله الذي يبسط الرزق لمن يشاء بغير حساب

ذکر یا قاضی الحاجات

این ذکر را روزی هفتاد مرتبه تا هفت روز باید بخوانید و در موقع ذکر باید از اول

ذکر شمع سبز روشن کنید تا آخر ذکر روشن باشد.

قبل از ذکر گرفتن، مقدار یکم نان جو، نمک، ۲ عدد خرما داخل بشقاب گذاشته شود

و بعد از اتمام ذکر میل کنید.

يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ يَا كَافِيَ الْمُهْمَاتِ يَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ يَا دَافِعَ الْبُلِيَا يَا مُفْتَحَ

الْأَبْوَابِ يَا شَافِيَ الْأَمْرَاضِ يَا حَلَّالَ الْمُشْكَلاتِ يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ يَا مُجِيبَ

الدَّعَوَاتِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ...

جن ؟

از ما بجهنمون ؟

بخشک ؟

آجناء ؟

رما ؟

همزاد ؟

ملائکه

فرشته

حوری

پری

روح‌ها مقدس

روح‌ها سرگردان

؟

همزاد

روح‌های سرگردان

؟

و
روح‌های مقدس

«ریاضت و چله‌نشینی»

از این جابه بعد، ریاضت و ذکر گرفتن برای، گرفتن موکل و تماس با ارواح و

هیپنوتیزم شروع می‌کنیم.

شرایط لازم: پوشیدن لباس سفید ۲- عود روشن کردن

۳- نشستن در خط منڈل (به حالت یوگا) ۴- خوش بو کردن خود.

۵- ترک کردن از خوردن گوشت حیوانات و فرآورده‌های حیوانی.

ذکر یا بدیع.

این ذکر را روزی هزار مرتبه باید بخوانید تا چهل روز

«یا بدیع العجائب بالخیر یا بدیع»

«نشتن یوگا، بسته در کنار رودخانه»



Handwritten text, possibly a signature or name, located at the top of the page.

Two small, dark, illegible marks or fragments of text located in the middle section of the page.

A large, dark, rectangular block of text, possibly a redacted section or a very dark scan of a paragraph, occupying the lower middle portion of the page.

«ذکر یونسیه»

این ذکر را روزی هزار مرتبه تا هفت روز بخوانید، بعد از آن ۳ روز، روزی

هزار مرتبه کنار دریا و یا در کنار رودخانه بخوانید:

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِحَقِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

«ذکر فرشتگان خدا»

هر یک از اسم فرشتگان خدا را روزی هزار مرتبه می خوانند تا ۲۸ روز، در هنگام

گرفتن این ذکر باید چنین شرایط را دارا بود:

هنگام ناهار فقط نان و ماست تناول کنید.

ذکر این است:

- | | |
|--------------------------|--------------------------|
| ۱. یا اسرافیل بحق یا ایل | ۲. یا جبرائیل بحق یا ایل |
| ۳. یا عزرائیل بحق یا ایل | ۴. یا میکائیل بحق یا ایل |
| ۵. یا کائیل بحق یا ایل | ۶. یا تکمیل بحق یا ایل |
| ۷. یا مکائیل بحق یا ایل | ۸. یا دردائیل بحق یا ایل |

۱- یا امواکیل بحق یازاء

۱۲- یا همواکیل بحق یاسین

۱۴- یا اھیائیل بحق یاضاد

۱۶- یا اسمائیل بحق یا طاء

۱۸- یا لومائیل بحق یاعین

۲۰- یا سرخاکیل بحق یافاء

۲۲- یا روزائیل بحق یا کف

۲۴- یا روپائیل بحق یامیم

۲۶- یا رقتائیل بحق یا واو

۲۸- یا سرکطائیل بحق یا یاء

۹- یا اخرائیل بحق یا ذال

۱۱- یا شرفائیل بحق یازاء

۱۳- یا هموائیل بحق یاشین

۱۵- یا عطکائیل بحق یاضاد

۱۷- یا لومزائیل بحق یا طاء

۱۹- یا لومخائیل بحق یاعین

۲۱- یا عطرائیل بحق یا قاف

۲۳- یا طائیل بحق یا لام

۲۵- یا هورائیل بحق یا نون

۲۷- یا دورائیل بحق یا حاء

«ذکر ایام هفته»

در هر روز از ایام هفته روزی هزار بار ذکرهای ذیل را بیان می کنید.

در زمان گرفتن ذکر، شمع روشن کرده در اتاق خلوت و به شعله شمع تمرکز کنید.

روز شنبه: یا حی یا قیوم

روز یکشنبه: ایاک نعبد و ایاک نستعین

دوشنبه: سبحان الله والحمد لله

روز سه شنبه: یا الله یا رحمن

روز چهارشنبه: حسبی الله ونعم الوکیل

روز پنجشنبه: یا غفور یا رحیم

روز جمعه: یا ذا الجلال والاکرام

«ذکر والضحی»

این ذکر، خواندن سوره مبارکه «ضحی» در هر روز، روزی ۳۳ مرتبه می باشد.

مدت زمان هفت روز می باشد هنگام خواندن داشتن وضو واجب می باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالصَّحَىٰ ① وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ ② مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ③ وَاللَّأخِرَةُ
خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ ④ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ⑤
أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ ⑥ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ ⑦
وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ ⑧ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ⑨ وَأَمَّا السَّائِلَ
فَلَا تَنْهَرْ ⑩ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ⑪

«ذکر سورہ فتح»

این ذکر به مدت هفت روز، روزی هزار مرتبه گفته می شود، لازم به ذکر است که گفتن این ذکر نیازی نیست که هر روز به طور متوالی پیشکش بیان شود.

«سورہ فتح»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا ① لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنْبِكَ
وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ②

«ذکر چله»

در هنگام چله نشی ذکرهای باید بیان شود، یکی از این اذکار گرفتن
این ذکر می باشد و رعایت کردن نکته ذیل برای گرفتن ذکر لازم و ضروری
است.

- از خوردن گوشت حیوانات و فرآورده های حیوانات مثل پنیر، تخم مرغ و ...
امتناع کنید.

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ »

إِلٰهِي بِحَقِّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَتُورِيَّةِ مُوسَىٰ وَانجِيلِ
عِيسَىٰ وَفُرْقَانَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
این ذکر به مدت چهل روز، روزی هزار مرتبه بیان شود؛ این ذکر
برای موکل گرفتن می باشد.

«ذکر هیسوئیزم»

بِحَقِّ الْيَاسِّ، إِدْرِيسِ، عِيسَى، خِضْرٍ، مُوسَىٰ، سَلِيمَانَ، دَاوُدَ

جبرائیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل

"ذکر یا باسط"

این ذکر برای تقویت شخص عامل (هیپنوتیزم کننده) می باشد.

شرایط لازم:

- نشستن در خط مندل به حالت یوگا

- روشن کردن شمع و عود.

- پوشیدن لباس سفید.

- گفتن ذکر "یا باسط" در یک نشست، ... ۷۰۰ هزار مرتبه.

"شرایط لازم برای هیپنوتیزم"

۱- شخص عامل (هیپنوتیزم کننده) باید مراحل را بگذراند (جلد نشینی، گفتن ذکر و...)

۲- شخص معمول (هیپنوتیزم شونده) (دارای مدیوم است) باید زیر سیرت سال باشد.

۳- عامل و معمول باید با وضو باشند (خواب کننده و خواب شونده)

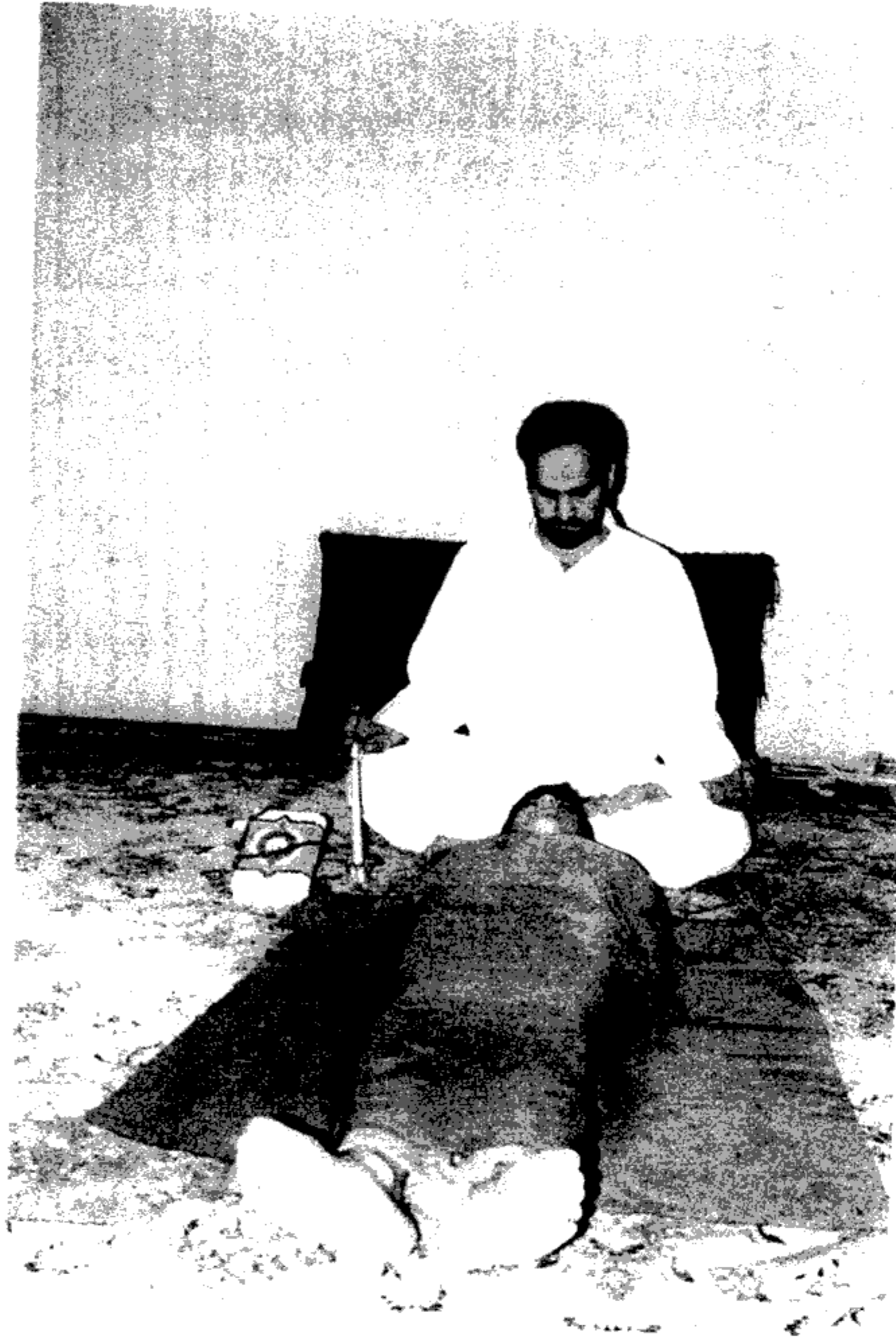
ہینوتیزم مرحلہ اول



Handwritten text at the top of the page, possibly a signature or title, which is difficult to decipher due to the image quality.



هینوتیزم مرحلہ دوم





« هینوتیزم مرحله سوم »





۴. شخص خواب نشوند، رو به قبله می خوابد، و شخص عامل (هیپنوتیزم کننده) به حالت یوگا بالای سر او می نشیند، در حالی که پشت هر دو دست روی زانو قرار می گیرد به شخص مدیوم می گوید: چشم طابت را ببند و خود عامل سوره والضحی را یک مرتبه می خواند و بعد به شخص مدیوم می گوید: در افکار خود احساس کن که در یک جای استاده ای.

وقت شخص **مهل** (مدیوم) خواب مثبت داد که آنجا را ریدیه، عامل می گوید آرام آرام به سمت عقب برو، و عامل تا زمانی که شخص معمول به سمت عقب می رود صدبار ذکر یا باسطرا می گوید، بعد از صدبار که ذکر را گفت به شخص مدیوم می گوید حال به سمت جلو حرکت کن، شخص معمول را به جلو هدایت می کند و به شخص مدیوم می گوید هر زمان که به جایی رسیدی و آب دیدی بگو.

وقتی که معمول به بخار آب رسید و به عامل خبر داد، عامل می گوید: از بخار رد شو و خود را داخل جنگل بزرگی می بینی که بعد از آن متوجه کلبه چوبی قدیمی خواهی شد؛ شخص مدیوم به طرف کلبه هدایت می شود وقتی به کلبه رسید و اگر نتوانست درب را باز کند به دست راست او ذکر لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم را می خواند، شخص مدیوم با دست ریب کلبه را باز می کند وقتی که ریب

باز شد، یک میز و صندک در وسط کلبه می بیند.

عامل به شخص مدیوم می گوید بزور روی صندک نشستن، رو کف دست خود را روی میز بگذارد؛ در این حین شخص عامل هر دو دست خود را روی شقیقه های چپ و راست شخص معول می گذارد.

عامل به معول می گوید این ذکر را که من می گویم شما تکرار کنید و ذکر را می خواند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 هيرائيل ميكائيل اسرافيل وعزرائيل

وقتی که شخص معول این ذکر را گفت، پیمهری بالبا من سفید، موهای بلند، محاسن بلند و سفید (با سن بالا) وارد کلبه می شود.

شخص عامل معول را هدایت می کند به سمت پیر بزرگ و می گوید دست او را

بوس و پیر بزرگ را هدایت کنید روی صندک بشیند و بایر بزرگ صحبت کنید

اگر صدای پیر بزرگ را نمی شنید باید ۲ مرتبه شخص عامل ذکر یا با سه را بگوید

وقتی شخص معول توانست بایر بزرگ ارتباط برقرار کند، آمده است که افرادی از او سؤال کند.

قابل توجه اینکه؛ اگر اولین بار خواستید این کار را انجام دهید بهتر آن است
که زیر نظر استاد باشد تا بطور کامل آموخته شوید.

«طریق بیدار شدن معمول»

شخص عامل (هیپنوتیزم کننده) سه مرتبه سوره والضحی را می خواند و آرام
نشانه های معمول را ماساژی دهند و از او می خواهند که به آرامی چشمهایش را باز کند.
بعد از بیدار شدن شخص معمول به او یک نوشیدنی می دهند تا انرژی مختصری کسب کند.

«ذکر گفتن برای تماس با روح»

۱- ترک حیوانی (امتناع از خوردن گوشت حیوانات و فرآورده های آن)

۲- لباس سفید

۳- خوشبو کردن خور

۴- به حالت یوگا در خط مندل نشستن

۵- با وضو بودن

بخار سوزاندن آب . (آب را به حالت جبار در آوردن)

روشن کردن شمع و سکوت کامل و گفتن این ذکر شب هنگام ۷۲ مرتبه تا چهل شب می خواند .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يا لهوسوسا - يا شهوسوسا - يا شيخوسوسا - يا شيخوسوسا - يا مصطبتا يا
شيموسوسا يا مصنيتا يا مَجَلِيتا يا عَلِيْدَا يَا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

" روش تاس با ارواح و احضار روح "

این روش سه مرحله دارد:

الف) توسط وسیطه یا استار انجام گرفته در اتاقی خالی و بانور کم.

ب) اینکه میزگری لازم برای این امر می باشد.

ج) افرادی که سر میز می نشیند باید با وضو و کاملآ آمادگی این کار را داشته باشند

و تعداد افراد ۳ یا ۵ نفر می باشند ، لازم به ذکر است که در اتاق هیچ گونه اشیا نباشد .

تعداد افراد در میز می نشیند و ۴ انگشت خود را (جز انگشت شصت) را در لبه میز قرار می دهند
 و وسیله دعای احضار روح را می خوانند تا روح حاضر شود، افراد باید خونسری خود را حفظ
 کنند؛ این امر را باید در نظر داشت که تا استراحت نکند این کار انجام ندهید.
 - لازم به ذکر است که توضیح کامل احضار روح در جلد دوم کتاب به نام (۴ ستاره)
 بیان خواهد شد.

مرحله دوم - (روش دوم)

مقوای را گرفته به ابعاد ۵۰x۵۰. دعای احضار روح را روی مقوا در وسط نوشته و حروف
 الفبا را در مقوای نویسم
 کلمات، بله، خیر - سمت بالا. در زیر بسم الله الرحمن الرحیم می نویسم سمت راست
 خدا حافظ و سلام را در سمت چپ.

اعداد از یک تا هفت نوشته (زیر پایین مقوا).

بعد از آن ظرف فلش زره را دهر روی مقوای گذاریم در چنین احضار روحی وجود
 ۳ نفر کفایت می کند.

این سه نفر انگشت سبابه خود را روی لبه ظرف قرار میدهند وقتی که روح آمد

سوره حمد را یا مرتب می خوانید .

وقتی که طرف به حرکت در آمد حضاری توانستند سوال خود را شروع کنند.

روش سوم -

آئینه را ایستاده قرار دهید و ظرف چینی یا بشقاب گذاشته نشود و روح شخص

فوت شده را و مادرش را و اسم خود را روی کاغذ کوچکی نوشته در داخل ظرف

چینی گذاشته و مقداری آرد روی آن کاغذ ریخته شد و یک شمع روشن می کنیم و

رعای اعضاء روح را می خوانیم و مستقیم در آینه نگاه می کنیم روح آن شخص در آینه تجلی

می کند می توانید با آن صحبت می کنید.

با آرزوی موفقیت در زندگی برایتان

« خواب معنا یسی یا هیپنوتیزم »

- هیپنوتیزم Hypnotisme

خواب هیپنوتیزم دارای چند درجه است که بتدریج از حالت خفیف به حالت عمیق فرو میرود.

و این خواب سه مرحله دارد:

۱- خواب لتارژی: در این خواب بدن خواب شونده بی حس می شود، ولی چشمها باز و مطیع اوامر -

خواب کننده است و با اشاره تسلیم و قبول خور را به او می نمایند در آن حال شخص خواب رفته

بقدری بی حس است که اگر گوشتش او را ببرند، یا در آب جوش او را فرو برند نمی فهمد بطوریکه

میتوان بروی آن عمل جراحی انجام داد.

۲- بدن خواب شونده بی حس می شود و چشمها را هم می بندد ولی برخلاف حال اولی بیدار و

می شنود و حرف می زند و می خواند و می نویسد و کاملاً مطیع اوامر خواب کننده (منوم) است ...»

۳- خواب شونده به درجه جذب می رسد که در این حالت شخص خواب رفته و خود را خوب می شناسد

و امراض جسم خود و علاج آن را شرح می دهد و اعمال همه را می بیند و سخنان آنها را از دور می شنود

و از حوادث آینده خبر میدهد و با زبانهای مختلف که در حال بیداری نمی راند تکلم می کند، روح -

مردگان را می بیند و شکل و هیكل آنها را وصف می کند و به زبانهای مختلف حرف می زند و اقوال و

کلمات ارواح را به حاضرین می رساند.

«تماس با ارواح و مکالمه با روح»

سؤال از روح - آیا ماده و عنصر اصلی اشیا سیال عمومی است؟

جواب روح - بلی آنچه در عالم وجود است از عنصر اصلی ترکیب یافته است.

س - آیا مناسبتی میان سیال عمومی با سیال الکتریک موجود است؟

ج - دو مرکب از اول است.

س - در چه حالی سیال عمومی به حال اصلی خود ظاهری شود؟

ج - بساطت اصلی سیال عمومی تنها در روح پاک ظاهر می شود، ولی در عالم خانی شما همواره

آن سیال در تغییر و تحول است و مواد عنصری که شما را احاطه کرده است از آن تشکیل می شود

و سیال موجود در زمین شما که بیشتر از همه نزدیک مربوط به سیال عمومی است همانا سیال -

مغناطیسی حیوانی است.

س - روح چگونه می تواند جسم جامد را حرکت دهد؟

ج - مقداری از سیال عمومی را با ماده حیاتی که از جسم وسیط (واسط عمل مکالمه) خارج می شود

ممزوج می کنند.

س - آیا می توان گفت که ارواح با دست، مجسمه را حرکت می دهند؟

ج - خیر، بلکه حرکت روح بخواهد میز را حرکت دهد و آنرا جذب کرده و بقوه سیال خصوصی که بحکم اراده او از وسیط خارج می شود، آنرا به پیش می آورد و هرگاه جسمی که می خواهد حرکت دهد سنگین باشد از سایر ارواح ملک می طلبد.

س - آیا ارواحی که برای کمک می آیند پست تر از او بوده و تحت او امر او هستند؟

ج - غالباً با او نزدیک و در عرض او هستند.

س - آیا هر روحی می تواند این عمل را انجام دهد؟

ج - این گونه اعمال فقط از روی سفلی ملوک سر می زند که هنوز از مؤثرات ماری پاک نشده است.

س - معلوم است که ارواح علوی مجرد هرگز تنزل نکرده و باین گونه کارها مبادرت

نمی کنند ولی می خواهیم بدانیم اگر بخواهد می تواند انجام دهد یا خیر؟

ج - البته ارواح علوی مجرد دارای قوه معنوی و ادبی هستند، همان طور که سایر ارواح دارای

قوه صلیبی می باشند و هرگاه بخواهد روح علوی این امور را انجام دهد به ارواح سفلی امر -

فرمان می دهد که برای انجام دهند چنانکه شما احم را برای جبر تعین بکاری برید.

س - از بیانات شما معلوم می شود که عنصر حیاتی در سیال عمومی است و چون

جسم روحانی مرکب از آن سیال است بنابراین بدون کمک آن نمی تواند علی را در ماده هیولائی و عنصری انجام دهد.

ج - بلی روح حیات مصنوعی به جسم جامد داده و آنرا مطیع و منقاد اشاره خود می کند بطوریکه دیگر لازم نیست روح نیز حرکت دهد یا به زور و بازو آن را بلند کند، نیز دارای حیات مصنوعی شده و بر حسب اشاره روح حرکت می کند.

س - بنا بر این وسیط چه دخالت در این کار دارد.

ج - گفتم که ماده حیاتی که فقط در جسم روح دریافت می شود و که وسیط هم از حال جسم است) بعنوان عاریه به اختیار روح مجرد گذارده می شود، روح مجرد هم مقداری از سیال عمومی را با آن ماده حیاتی منزوج کرده و به میز روح می دهد ولی این حیات موقتی است و به مجرد انجام عمل، و گاهی قبل از انجام در صورتی که ماده حیاتی وسیط ضعیف باشد حیات مصنوعی از میان می رود و دیگر نیز حرکت نمی کند.

س - آیا روح بدون وساعت وسیط می تواند این گونه عمل را انجام دهد؟

ج - نه، ولی فقط گاهی ممکن است سیال حیاتی شخصی بدون توجه و التفات آن شخص از وی خارج شود و روح آن را عاریه کرده و موجب ظهور پاره علیت بدیعی از روح گردد بدون

س - چرا همه مردم این استعداد و خاصیت را ندارند؟

ج - زیرا همه آنها مختلف است و برای روح گرفتن مایع حیاتی از هر مزاجی سخت است -

چنانکه بعضی از وسطها چیز به اعمال اراده نمی توانند مایع حیاتی از خود خارج کنند، و بعضی دیگر بدون اعمال اراده ماده حیاتی از آن ها خارج و پراکنده می شود و روح آنها گرفته و بدون تذکره و توجه

صاحب ماده آن را بکار می برد - اینست که همه وسطها در قوه و استعداد مساوی نیستند.

س - آیا روحی که در ماده تاثیر می کند داخل ماده است یا خارج از ماده؟

ج - در هر دو حالت روح در ماده تاثیر می کند زیرا که روح در جماد نفوذ دارد و هیچ عائقی آن را از

خول در محکم ترین جاها و غلیظ ترین

س - روح چگونه می تواند ضربه می زند و آنرا می کوبد؟

ج - کوبنده و ضربه وارد کنند میزهای نسایل منروج است که آن را حرکت می دهد بدین حد

که وقتی آن را حرکت می دهد روشنائی آن حرکت را بوسیله چشم به تمام همانند وقتی هم که آنرا

می کوبد هوا، آن صدا را بوسیله گوش به تمام رساند و هیچ فرق ندارد.

پس - حرکت و صدای جماد را توسط روح می توان بشرح مذکور اراده کرد و فحیدولی چگونه روح می تواند

صدای خود و الفاظ مرکب را با بفهماند؟

انکه کسی واسطه عمل باشند.

س - آیا میزی که حیات مصنوعی در آن ایجاد شده خودی محمد و حرکات خویش را حس و تقلید می نماید؟

ج - نه، در میز قوه و استعداد بیشتر از قوه و استعداد نقصانیت که شما آنرا در اشارت بکار

می بریزید زیرا که حیات مصنوعی توانسته است او را فقط مطیع اشاره روح کند بنا بر این تصور

نکنید که میز متحرک، روح است؛ زیرا که از خود نه فکر و نه اراده دارد.

س - علت اساسی و عده در حوادث روحی خود روح است یا سیال ممزوج؟

ج - روح علت است و سیال ها واسطه آنهایند و وجود هر دو ضروری است.

س - وظیفه اراده و سیال در اینگونه امور چیست؟

ج - وظیفه او احضار ارواح و مساعدت با روح در فرستادن ماده حیاتی است.

س - آیا بطور کلی عمل اراده شرط و دخیل در کار هست یا نه؟

ج - اراده مساعدت عمل است و باعث از دیاد قوه وکی عمل را، اراده بطور کلی و عمومی

ضرورت ندارد زیرا بعضی حوادث به رغم اراده واقع میشوند حتی بدون علم و اراده حالات

میگردد و این خود بر همان محلی است بر آنکه علت حوادث در شخصی و سیال نیست.

ج - در صورتیکه نفوذ در جاد برای روح سخت نیست نفوذ در هوا هم برای او اشکالی

ندارد و الفاظ مرکب هم تقلیدی کند چنانچه صورتها و سایر اصوات را تقلید می کند.

س - می گویند روح در حرکت و ضربه زدن میز دست بجا نمی برد در حالی که دیده

می شود که صد از آن بلند می شود؟

ج - برای شما ادراک ارواح و جلونگی کارهای آنها مشکل است مگر بزرگ مثالهایی که

تزدیک بفهم و ذهن شما باشد و هرگز نباید شما طریق کارهای آنان را مقایسه با طریق کارها

خودتان بکنید - آیا من به شما نگفتم که کار روح متناسب با طبیعت روح است و ماده حیاتی جسم

زنده را در ماده نفوذ میدهد و این حیات مصنوعی و مؤنثی را می بخشد - شنیدن صدای ضربه میز -

صحت دارد ولی نه بوسیله قوه عضلی که بوسیله لمس فشار و حرکت عارض شود بلکه بوسیله

قوه حیاتی که میز را حرکت می دهد آن صد از آن میز بلند می شود.

س - در بعضی موارد اتفاقات روحی مطالبی بروز کرده که بکلی منافات با نوا میس طبیعی

است آیا علت این منافات اشتباه ارواح در عملیات نیست؟

ج - علت آن چهل سال تمام نوا میس طبیعی است زیرا که انسان وقتی عالم به تمام نوا -

میس های طبیعی می شود که روح علوی مجرد باشد - ملاحظه کنید همه روزه آشنائاتی جدید -

می شود که اشخاص مغرور و آنها که خیال می کنند همه چیز را می دانند آنها را تکذیب می کنند در صورتیکه آنها را آنگاه می نماید - پس این اکتشافات * سبب می شود که مردم اعتراف به جهل خود کرده بدانند که علم آنها چهل راست و شاید که روزی برای آنها را سوالاتی باشد آیا ملاحظه اختراعات جدید از صیغه ها و تلفظ ها و تکلم آنها و اربوه ها و تلویزیون ها که واقعا معجز العقول می باشد.

س . میل داری خوشی تریا به پد رومارت بگوئیم؟

ج - خیر

س - چرا؟

ج - زیرا آنها عقیده به حیات بعد از مرگ ندارند.

س - شاید آنها را این جنم معتقد کند؟

ج - جنم مسخره کردن چیز دیگر نخواهید شنید.

س روح - از من چه می خواهید بیگذازید بروم، زیرا که من از آمدن نزد شما ملول شدم -

س - الان تو کجا هستی؟

ج - نمی بینید در حضور شما هستم.

س - آیا کسی شما را مجبور به آمدن اینجا کرد؟

ج - بدون شک زیرا که اگر قوه خارجی مرا مجبور به آمدن اینجا نمی کرد یک آن

نزد شما نمی ماندم.

س - آیا ممکن است که ارواح بنظر کسی مجسم شوند؟

ج - روح: بلی مخصوصاً در خواب و گاهی در هنگام بیداری هم برای بعضی دیدل آنها

ممکن است ولی خیلی نادر می باشد.

س - آیا ارواحی که دیده می شوند منحصر به طبقه معین آنجا است؟ یا دیدل همه آنجا ممکن

است؟

ج - هر طبقه از ارواح می توانند بنظر آیند و دیده شوند بشرطی که خود بخواهند و اجازه داشته باشند.

س - مقصود روح از ظاهر شدن به چشم مردم چیست؟

ج - ظهور روح بسته به پاکی و ناپاکی روح است که برای مقاصد مختلف ظاهری شود.

البته روح پاک برای مقصود عالی و پسندیده ظاهری شود و روح ناپاک برای قصد ناپسند و

پست نمایان می گردد.

س - مقصود ارواح شریر از ظهورشان چیست؟

ج - بقصد آزار زنده‌ها و انتقام از آنها است.

س - مقصود روح از پاک در تجلی خود چیست؟

ج - به قصد لجوئی و تسلیمت کسی است که در فقدان او گریه می‌کند و می‌خواهد -

بدین وسیله به او بماند که او زنده و جاوید و باقی است و او را نصیحت دهد که در برگ اوی -

تای نکند - در عوض برای او رحمت فرستد و از خدا و طلب آمرزش کند.

س - چرا تجلی ارواح همیشه وجه جاویدی نیست؟ آیا برای اقتناع منکرین بقاء روح از هر

یک بهتر و بهتر دلیل نیست؟

ج - چون ارواح از هر طرف به انسان احاطه دارند اگر بنا بود که همیشه وجه جاویدی همه تجلی

نمایند باعث اختلال زندگی و تفرقه حواس و تشویش افکار مردم شده و مانع آزاری آنها که برای

آل خلاق شده اندی گردد و منکرین بقاء روح اگر بخواهند خود را مانع و معتقد نمایند، رایل بسیل -

دیگم را راند که اگر غرور و خودخواهی را از خود دور کنند بجزی متقاعد و تسلیم می‌شوند - چنانکه دیده‌اید

اعلم منکرین تجلیات روح را دیده و با آنها مکالمه کرده - با وجود این باور نکرده و آن را محل

بروهم و خیال می‌نمایند - با وجود این شما متأثر نشوید و عجله نکنید زیرا زود آنها معتقد خواهند شد و

ایمان کامل به بقاء روح و ثواب و عقاب پس برگ خواهند آورد.

س. آیا دیدن ارواح در عالم علوی بیشتر از این دنیا ممکن است؟

ج. هر قدر انسان در زندگی روحی ترقی کند تصفیه و تحذیب شود بخت و بیشتر و آسان تر

می تواند با ارواح ارتباط پیدا کند و در عالم سفلی دنیا همان حجاب تن مانع از دیدن و

ارتباط کامل با ارواح علوی است و محاینه ساکنین عالم غیب برای آنها مشکل است.

س. آیا انسان حق دارد از ظهور و تجلی ارواح در نظر او وحشت کند و بترسد؟

ج. شخص عاقل باید پیش خود ملاحظه کند و بفهمد که روح هر چه باشد از حقیقتی که باشد کم خطر تر

و بی اثر تر از روح انسان زنده و روح اسیر عنصر و ماده است. چه اگر روح بخواهد به کسی آزار

کند لازم نیست بنظر او ظاهر شود و یا بشکل مدهوشی او را به وحشت اندازد. بلکه افکار

وحشتناک و خیالات خوفناک در دماغ او القا می کند که همان الهامات پست و

وسوسه های شیطانی باعث ترک کردن کار خوب و ارتکاب کار بد می شود.

س. آیا وقتی روح برای کسی تجلی کرد انسان می تواند با او مکالمه کند؟ آیا باید مکالمه

کند؟

ج. بله، باید از اسم و هویت و حالت روح سوال کند و از او استعانت جوید و

سوالات لازم بکند هر گاه روح متألم و در زحمت باشد از این صحبت و نوازش و احوال پرسی

اندکی، راحتی و عبودری برای او حاصل می شود و اگر روح با نشاط و صالح باشد نصایح سودمند به شما می دهد.

س - روح چگونه می تواند جواب دهد؟

ج - ماده سیال او با بطریق تلفظ مثل شما جواب می دهد و یا بطریق انتقال فکر مطلبی را به شما واضح می کند.

س - آیا ارواحیکه با بالهای گسترده بنظر می آیند برستی بال دارند و یا آنکه این صورت رمزی آنهاست؟

ج - ارواح به بال محتاج نیستند زیرا آنها می توانند همه جا بروند و تظاهر آنها شکل های مختلف دارد و ملاحظه تاثیر آن شکل در نظر شخصی است که برای او تجلی کرده اند چنانکه در نظر بعضی با بال می آیند و بنظر برخی با روپوش سفید و نورانی می آیند و گاهی بصورت عاری می آیند و در حقیقت همه رمزی است از حالت قلبی و میل باطنی شخص طرف مقابل.

س - آیا ارواحی که در خواب به نظر ما می آیند برستی همان لباس و شکل روح همان اشخاص است؟

ج - بلی اغلب روح همان اشخاص است .

س - در حقیقت فکر در موضوع روح یک نوع احضار روح است و تفکر در ارواح باعث جذب و جلب آنان در خواب می شود ولی چه علت دارد که انسان در ارواحی که بیشتر فکری کند اصلاً کمتر خواب می آید و کی روح کسانی که هیچ ما به فکر آنها نیستیم اغلب به خواب ما می آیند؟

ج - ارواح بطور کلی و مطلق نمی توانند برای هر کس به تجلی کنند و ظاهر شوند اگر چه در خواب باشند زیرا موانع بسیاری موجود است که مربوط به اراده و میل روح نیست - اما ارواح حیکه بخواب شما می آیند در حالی که شما ب فکر آنها نپردیده اید و در نسبت آنها علاقه به شما داشته باشند - زیرا شما هیچ نوع معرفت و اطلاع از عوالم غیب ندارید و در بیداری هم نمی توانید در تمام علوم و معارف فکر کنید.

س - چرا اغلب خوابها در وقت ناخوشی عارض می شود؟

ج - زیرا که بند و پستهای جسم با روح در وقت ناخوشی سست می شود - و روح تا درجه آزار می گردد و در آن حال بهتر می تواند با ارواح غیر متجسد ارتباط پیدا کند.

س - چرا خوابها غالباً در شب دیده می شود؟

ج - به همین دلیل که در شب ستاره‌ها را می‌بینید که در روز نمی‌توانید مشاهده کنید به این معنی نور و روشنائی ظهورهای مختلف و خفیف و اندک را محو می‌نماید - ولی نه بطوری که تصور کنید شب اثری در دیدن خواب دارد چنانکه اگر از وسط سوال کنید مشاهده روز روشن خود را برای شما بسیار خواهند گفت.

س - آیا توسط آنها در حالت طبیعی روح را می‌بینند یا آنکه در حالت غلبه و جذب؟
 ج - غالباً در حالت طبیعی روح را می‌بینند ولی اغلب از نقطه نظر روحی مانند حالت غلبه است.

س - روح چطور خود را می‌نماید؟

ج - ابتداءً جسم روحانی او تغییراتی حادث می‌شود و پس از آن بشکل انسان در خواب یا بیداری یا تاریکی یا روشنائی ظاهر می‌گردد.

س - آیا می‌توان گفت که روح در وقت ظهورش متجسّد به جسم ماری می‌شود؟

ج - تجسّد ماری در اینجا راه ندارد ولی بطور تشبیه باید گفت مثل جسم ماری می‌شوند زیرا که روح بوسیله سیالی که از وسط می‌گیرد، جسم روحانی خود را طوری قرار می‌دهد که به نظر وسیله مجسم می‌آید.

س - آیا هر کسی می تواند روح را ببیند؟

ج - در خواب بلی، و کار پریداری برای همه کس میسر نیست.

س - دیدن روح بصورت روح مجسم چگونه ممکن است؟

ج - بسته به سهولت امتزاج ماده حیاتی و سیط یا ماده حیاتی روح است و

فهرج بر استعداد و قابلیت ذاتی و سیط است که دارای مقدار از ماده حیاتی قابل

مزج باشند که پس از امتزاج با روح بنظر مجسم آید و گرنه معبر در میل روح بنظهور کافی برای ظهور نیست و نمی تواند ظاهر شود.

س - آیا ممکن است روح بشکل غیر از انسانی ظاهر شود؟

ج - شکل انسانی شکل اصلی ارواح است و ظواهر آن را می تواند تفسیر دهد ولی

طالب انسانی را نمی تواند تبدیل و تغییر دهد.

س - آیا گاهی ارواح بصورت شهاب ثاقب نمایان نمی شوند؟

ج - ارواح گاهی برای اثبات وجود خود، از خود شهاب و روشنائی جیلی درخشانی

ظاهر می سازند ولی آن روشنائی و شهاب روح نیستند بلکه پرتوی است از روح که

در جو نمایان شده و بنظر انسان روشن می آید.

س - آیا ارواح می توانند بصورت حیوان ظاهر شوند؟

ج - گاهی ممکن است ولی این ظهور منحصر به ارواح نیت بلکه ارواح پست و سفلی را شامل است که موقتاً بصورت حیوان ظاهر می شوند. آنهم نه بطوریکه قالب خود را عوض کنند زیرا که مفعول نیت که روح انسان بنخواهد در جسد حیوان معبوس گردد.

تا اینجا سخنان روح بود که تمام مطابق با کلمات عقلا و بزرگان اسکا و پیشوایان سایر ادیان است که عموماً می گویند روح، با حالت تجرد غیر قابل ظهور است ولی چون مشکل به شکل شود قابل رؤیت است.

براستی باید گفت امروزه اغلب علماء و دانشمندان مادی و صیغی در سایه تونل آخادر مادیات و صیغیات بصورت عکس العمل یا بصورت مشاهده آیات الهیه و قدرت خداوندی در آفاق و انفس در جرگه علماء و دانشمندان روحی و الهی وارد شده و از طریق طبیعت پی بحالت طبیعت و آفریننده جهان برده اند و بالنتیجه معتقد به عالم ارواح و بقای روح و ثواب و عقاب شده اند.

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى «سورة زمر - آیه ۴۱»